

شهادت شهود نزد کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و قابلیت استناد به آن در محاکم کیفری: مطالعه موردی دادگاه ویژه سیرالئون

نیما غضبانی

گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران.

n.ghazbani@iau.ac.ir

مهین سبحانی (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

m\_sobhani@guilan.ir

مجتبی جانی‌پور

دانشیار، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

janipour@guilan.ac.ir

## چکیده

کشف حقیقت، از دیرباز یکی از اهداف اصلی نظام عدالت کیفری بوده و استماع شهادت شهود، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل اثبات دعای کیفری، جایگاهی ویژه در فرایند دادرسی داشته است. با این حال، در جرایم بین‌المللی به دلیل گستره و پیچیدگی ارتکاب این جرایم، نقش شهادت شهود تنها به دادگاه‌های کیفری محدود نمی‌شود، بلکه استفاده از آن در کمیسیون‌های حقیقت‌یاب نیز به‌عنوان ابزاری مؤثر در تحقق عدالت انتقالی و بازسازی اعتماد عمومی اهمیت یافته است. این کمیسیون‌ها که با هدف مستندسازی نقض‌های گسترده حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی تشکیل می‌شوند، کشف حقیقت را محور اصلی مأموریت خود قرار می‌دهند. پرسش اساسی این است که یافته‌های این نهادهای شبه‌قضایی تا چه اندازه در محاکم کیفری قابل استناد هستند و آیا می‌توان برای آن‌ها در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی ارزش اثباتی قائل شد؟ پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی، ابتدا به بررسی مبانی و کارکرد کشف حقیقت در کمیسیون‌های حقیقت‌یاب پرداخته و سپس با مطالعه تطبیقی تجربه کمیسیون حقیقت‌یاب سیرالئون و دادگاه ویژه این کشور، میزان اعتبار و قابلیت استفاده از مستندات و شهادت‌های ارائه‌شده در این فرایندها را ارزیابی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هرچند مستندات و شهادت‌های گردآوری‌شده توسط کمیسیون‌های حقیقت‌یاب می‌توانند در مرحله‌ی تحقیقات، تکمیل ادله و بازسازی واقعیت تاریخی نقش مؤثری ایفا کنند، اما به دلیل کاستی‌هایی همچون فقدان امکان استنتاج متقابل، عدم ارزیابی صحت و سقم شهادت‌ها و ورود ماهوی کمیسیون به موضوعات اتهامی خارج از صلاحیت خود، از ارزش اثباتی محدودی در فرایند دادرسی کیفری برخوردارند.

**واژگان کلیدی:** شهادت شهود، حق بر حقیقت، دادگاه ویژه سیرالئون، کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، عدالت انتقالی.

## **Witness Testimonies before Truth Commissions and Their Admissibility in Criminal Courts: A Case Study of Special Court of Sierra Leone**

### **Abstract**

Witness testimony has long been regarded as one of the most significant forms of evidence in criminal proceedings. However, in the context of international crimes, due to their scale and complexity, the role of witness testimony extends beyond criminal courts. It has also become a crucial tool in truth commissions, which aim to promote transitional justice and restore public trust. These commissions, established to document widespread violations of human rights and international humanitarian law, place truth-seeking at the core of their mission. The key question is to what extent the findings of these quasi-judicial bodies can be relied upon in criminal courts and whether they possess evidentiary value in international criminal proceedings. Using a descriptive-analytical approach, this study first examines the foundations and functions of truth-seeking in truth commissions and then, through a comparative analysis of the Sierra Leone Truth and Reconciliation Commission and the Special Court for Sierra Leone, evaluates the credibility and admissibility of the evidence and testimonies produced in these processes. The findings show that although the evidence and testimonies collected by truth commissions can play an effective role during the investigative stage, particularly in supplementing evidence and reconstructing the historical reality, they possess limited evidentiary value in criminal proceedings due to shortcomings such as the absence of cross-examination, the lack of verification and assessment of the accuracy of testimonies, and the commissions' substantive involvement in issues of criminal liability beyond their mandate.

**Keywords:** Witness Testimonies, Right to Truth, The Special Court of Sierra Leone (SCSL), Truth and Reconciliation Commissions (TRC), Transitional Justice.

## مقدمه

مفهوم «حق بر حقیقت»<sup>۱</sup> ممکن است در نظام‌های حقوقی مختلف با عناوین متفاوتی مانند «حق بر دانستن»<sup>۲</sup>، «حق بر کسب اطلاع»<sup>۳</sup> و یا «حق بر آزادی اطلاعات»<sup>۴</sup> شناخته شده باشد. این حق، به‌مثابه یکی از حقوق بنیادین بشری، نخستین بار توسط «دیوان آمریکایی حقوق بشر»<sup>۵</sup> در ارتباط با خانواده‌های افراد ناپدیدشده مورد استناد قرار گرفت.<sup>۶</sup> نقطه عطف این حوزه، رأی سرنوشت‌ساز دیوان در پرونده «ولاسکز رودریگز علیه هندوراس»<sup>۷</sup> در سال ۱۹۸۸ به‌شمار می‌رود. در این پرونده، کمیسیون آمریکایی حقوق بشر شکایتی را علیه دولت هندوراس مطرح ساخت که موضوع آن ناپدیدسازی دانشجویی به‌دست نیروهای امنیتی این کشور بود. دیوان در رسیدگی به این شکایت، برای نخستین بار، حق مزبور را به‌طور صریح به رسمیت شناخت. در این پرونده تأکید شد که ناپدیدسازی اجباری نه‌تنها موجب نقض حقوق بنیادین فرد قربانی از جمله حق حیات، آزادی و امنیت شخصی است، بلکه پیامدهای مستقیم و عمیقی برای خانواده آنان نیز به همراه دارد، چرا که محروم نگه‌داشتن خانواده از اطلاع از سرنوشت عزیزشان، نوعی سوءرفتار و آزار روحی جدی محسوب می‌شود.<sup>۸</sup> بدین ترتیب، خاستگاه این حق را می‌توان در دو دسته از حمایت‌های مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشری جستجو نمود. نخست، حمایت در برابر قصور دولت‌ها در اعلام وضعیت افراد بازداشت‌شده که نقض آشکار کرامت انسانی و موجب رنج مضاعف خانواده‌ها تلقی می‌گردد؛ و دوم، حمایت در برابر کوتاهی دولت‌های مذکور در تحقیق و تعقیب جرایم ارتكابی علیه بازداشت‌شدگان که به معنای انکار عدالت و محرومیت خانواده‌ها از دسترسی به دادرسی مؤثر است.<sup>۹</sup>

علی‌رغم آنکه حق بر حقیقت در اسناد حقوق بشری و بشردوستانه مورد شناسایی قرار گرفته<sup>۱۰</sup>، لیکن هیچ یک از اسناد مزبور به کشف حقیقت به عنوان حقی مستقل برای قربانیان تصریح نکرده‌اند.<sup>۱۱</sup> شورای حقوق بشر در پاسخ به این خلاء تقنینی، از ایجاد سازوکارهای شبه‌قضایی، از جمله «کمیسیون‌های حقیقت و آشتی»<sup>۱۲</sup> (زین پس کمیسیون‌های حقیقت‌یاب) که در راستای

1. Right to Truth.

2. Right to Know.

3. Right to Access Information.

4. Right to Freedom of Information.

5. Inter-American Court of Human Rights (IACtHR).

6. Hayner, Priscilla.B, *Unspeakable Truths, Transitional Justice and the Challenge of Truth Commissions*, Routledge, Second Edition, New York, 2011, p. 23.

7. Inter-American Court of Human Rights. *Velásquez-Rodríguez v. Honduras*. Judgment of July 29, 1988. Series No.4. San José, Costa Rica: Inter-American Court of Human Rights, 1988. [https://www.corteidh.or.cr/docs/casos/articulos/seriec\\_04\\_ing.pdf](https://www.corteidh.or.cr/docs/casos/articulos/seriec_04_ing.pdf).

8 Ibid, paras. 185-188.

۹. در پرونده‌ای مشابه، طبق حکم دیوان آمریکایی حقوق بشر، خانواده یک روزنامه‌نگاری که در گواتمالا ناپدید شده بود، دارای حق مستقل برای الزام دولت به تحقیق از ناپیدایی وی شناخته شد. بلیک و داویس، روزنامه‌نگار و عکاس آمریکایی بودند که در گواتمالا ناپدید شدند. خانواده بلیک برای سال‌ها از طریق سفارت آمریکا در گواتمالا به دنبال تحقیق از ناپیدایی وی بودند بدون این که دولت گواتمالا در این زمینه همکاری لازم را با آنها بنماید. به نظر دیوان، دولت گواتمالا نه تنها در انجام تحقیقات در این موضوع کوتاهی نموده بود، بلکه از دسترسی خانواده اشخاص ناپدیدشده به حقیقت نیز ممانعت ورزیده بود. از آنجا که در ادامه تحقیقات مشخص شد که بلیک در سال ۱۹۸۵ یعنی هفت سال قبل از پذیرش صلاحیت دیوان توسط گواتمالا کشته شده است، دیوان در رابطه با نقض حقوق بلیک اعلام عدم صلاحیت نمود، اما در رابطه با حقوق خانواده وی برای دسترسی به حقیقت، اعلام نمود که کوتاهی دولت گواتمالا در تحقیق از آن چه که برای بلیک اتفاق افتاده، طبق کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، نقض مستمر حقوق خانواده وی است. برای اطلاع بیشتر در این زمینه ر.ک به:

Inter-American Court of Human Rights. *Blake v. Guatemala*. Judgment of January 24, 1998 (Merits). Series C No. 36, p. 178, at: [https://www.corteidh.or.cr/docs/casos/articulos/seriec\\_36\\_ing.pdf](https://www.corteidh.or.cr/docs/casos/articulos/seriec_36_ing.pdf).

۱۰. از جمله در ماده ۳۲ پروتکل الحاقی شماره ۱ (۱۹۷۷) به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، ماده ۲۴(۲) «کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدشدگی اجباری» (۲۰۰۶)، و همچنین در قطعنامه ۱۶۵/۶۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۲۰۱۳) و قطعنامه ۲۰۰۵/۹ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که به صراحت به «حق بر حقیقت» اشاره شده است.

۱۱. به نظر برخی، محاکم بین‌المللی کیفری با عملکرد خود و از طریق رسیدگی به پرونده‌های متهمان و با استناد به قواعد ادله اثبات دعوا می‌توانند نسخه‌های معتبری از حقیقت جرایم ارتكابی ارائه دهند. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به:

Groome, Dermot, "The Right to Truth in the Fight against Impunity", *Berkeley Journal of International Law*, Vol.29, No.1, 2011, p. 177.

12. Truth and Reconciliation Commission (TRC).

تحقق حق بر حقیقت در کشورهای مختلف تأسیس می‌شوند. استقبال نموده است. این کمیسیون‌ها، در مقام مکمل نظام قضایی داخلی در قبال تخلفات حقوق بشری و بشردوستانه، به فعالیت پرداخته و بدین وسیله بستر احقاق حقوق قربانیان و جوامع در حال گذار را فراهم می‌سازند.<sup>۱۳</sup> اجزای تشکیل دهنده این کمیسیون‌ها را می‌توان اعم از کارشناسان حوزه‌های پلیسی، حقوقی، قضایی و مددکاری اجتماعی دانست که به ابتکار مراجع ملی یا بین‌المللی و با هدف گردآوری اطلاعات و روشن ساختن حقایق پیرامون خشونت‌ها و جنایات سیاسی یا نظامی تشکیل می‌شوند و پس از انجام تحقیقات خود، گزارش نهایی را به مراجع ذی‌صلاح ارائه می‌دهند.<sup>۱۴</sup>

با این حال، کمیسیون‌های حقیقت‌یاب با چالش‌های متعددی مواجه‌اند. یکی از این چالش‌ها نحوه استفاده از یافته‌های آنان در فرآیند دادرسی کیفری است. کمیسیون‌های مذکور، نه به‌منظور احراز مسئولیت کیفری اشخاص، بلکه با هدف کشف یا تأیید واقعیت‌های مرتبط با جرایم ارتكابی تأسیس می‌گردند. از این رو، استناد به نتایج آن‌ها در جهت اثبات اتهامات کیفری می‌تواند دقت، بی‌طرفی و اتقان فرآیند دادرسی در محاکم کیفری را با تردید مواجه سازد. بر همین اساس، این پرسش مطرح است که آیا یافته‌ها و شهادت‌های جمع‌آوری شده از سوی این نهادها صرفاً واجد ماهیتی حقیقت‌یابانه است، یا می‌توان آن‌ها را به‌عنوان ادله معتبر و قابل استناد در روند دادرسی محاکم کیفری مورد بهره‌برداری قرار داد؟ اگر پاسخ مثبت باشد، آنگاه ایجاد هرگونه ارتباط مستقیم میان محاکم کیفری و کمیسیون‌های حقیقت‌یاب ممکن است استقلال و فلسفه وجودی این کمیسیون‌ها را مخدوش سازد.

با توجه به چالش‌های پیش‌گفته و کمبود پیشینه فارسی پیرامون سازوکار کمیسیون‌های حقیقت‌یاب<sup>۱۵</sup>، نوآوری پژوهش در تبیین جایگاه شهادت‌های حاصل از این کمیسیون‌ها و اعتبارسنجی آن‌ها در محاکم کیفری نهفته است. پرسش‌های اصلی پژوهش بدین شرح است: نخست، مبنای کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در کشف حقیقت چیست؟ دوم، رابطه‌ی این کمیسیون‌ها با محاکم کیفری چگونه تعریف می‌شود؟ و سوم، تا چه میزان می‌توان شهادت‌ها و مستندات گردآوری شده توسط این نهادها را شبه‌قضایی را در فرآیند رسیدگی کیفری معتبر دانست؟ در راستای پاسخ به این پرسش‌ها، ساختار تحقیق با تمرکز بر تجربه‌ی سیرالئون، در قالب دو گفتار اصلی تنظیم شده است: گفتار نخست به تبیین مبانی نظری و کارکردی کشف حقیقت در کمیسیون‌های حقیقت‌یاب اختصاص یافته؛ و گفتار دوم به تحلیل رابطه میان کمیسیون حقیقت‌یاب و دادگاه ویژه سیرالئون پرداخته است.

## ۱. مبانی و کارکرد کشف حقیقت

کشف حقیقت را می‌توان وجه اشتراک محاکم کیفری و نهادهای غیرکیفری همچون کمیسیون‌های حقیقت‌یاب دانست. با این تفاوت که غایت اصلی محاکم کیفری، نه حقیقت‌یابی، بلکه اعمال و اجرای مجازات است. بدیهی است حتی اگر یکی از اهداف دادرسی کیفری را کشف حقیقت بپنداریم، محدودیت‌های ساختاری و اجرایی این محاکم عملاً مانع از تحقق کامل چنین هدفی می‌شود.<sup>۱۶</sup> از این رو، دستیابی به حقیقت در چارچوب سازوکارهایی که اساساً با رویکرد حقیقت‌یابی و جدای از سازوکار قضایی طراحی و تأسیس شده‌اند، به‌مراتب کارآمدتر خواهد بود. کمیسیون‌های حقیقت‌یاب به‌ویژه برای قربانیان، شهود و حتی مرتکبان

13. Groome, The Right to Truth in the Fight against Impunity, 2011, p. 177.

۱۴. ابوالفضل دلاوری، «حقیقت و آشتی: نقش کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در حل منازعات سیاسی و بین‌المللی»، پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۲۶ (۱۳۸۸): ۱۵۳-۱۵۴.

۱۵. در ادبیات آکادمیک فارسی پیرامون مبحث «کمیسیون‌های حقیقت‌یاب»، منابع محدودی موجود است. با این حال، چندی از مقالات مرتبط عبارتند از: ابوالفضل دلاوری، «حقیقت و آشتی: نقش کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در حل منازعات سیاسی و بین‌المللی»، پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۲۶ (۱۳۸۸): ۱۵۱-۱۸۰؛ مصطفی فضائلی و نرگس سادات حسینی، «دوگانگی صلح و عدالت در وضعیت‌های پس از مخاصمات داخلی»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۲، شماره ۱ (۱۴۰۱): ۴۶۳-۴۸۳.

16. Groome, The Right to Truth in the Fight against Impunity, 2011, p. 151.

جرایم بین‌المللی، بستری فراهم می‌سازند تا امکان بازگویی روایت‌ها و تجربیات خود را داشته باشند.<sup>۱۷</sup> بدین جهت، نیاز است با مبانی کشف حقیقت ذیل دو سازوکار کیفری و غیرکیفری و تفاوت‌سنجی آن‌ها آشنا شویم.

## ۱-۱. کشف حقیقت در لوای سازوکار محاکم کیفری

برخی پژوهشگران،<sup>۱۸</sup> بر این عقیده‌اند که محاکم کیفری، در مقایسه با سازوکارهای غیرکیفری همچون کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، قادر به ارائه حقایق مستندتر درباره جرایم ارتكابی هستند. این استدلال از آن جهت موجه به نظر می‌رسد که اعتبار ادله در این محاکم منوط به رعایت قواعد ادله اثبات دعوی است. با این حال، همین الزام موجب می‌شود فرآیند کشف حقیقت در محاکم کیفری محدود به موضوع مورد رسیدگی باقی بماند و تابع تشریفات آیین دادرسی کیفری گردد که گاه فرآیند را طولانی‌تر می‌سازد.

از سوی دیگر، رسالت اصلی محاکم کیفری را نمی‌توان کشف حقیقت دانست.<sup>۱۹</sup> حتی در فرضی که این محاکم به کشف حقیقت نیز دست یابند، حاصل کار با وجود صرف زمان و هزینه‌های فراوان، تنها بخش محدودی از کل جرایم ارتكابی را منعکس می‌کند و قادر به ارائه تصویری جامع از وقایع گذشته نیست.<sup>۲۰</sup> علاوه بر این، قضات در جریان رسیدگی ناگزیر به رعایت قواعد شکلی دادرسی و الزامات مربوط به ادله هستند و نمی‌توانند به سادگی از این قیود فراتر روند. این کاستی هنگامی جدی‌تر می‌شود که به موقعیت جغرافیایی محاکم کیفری بین‌المللی توجه شود، چراکه این محاکم غالباً در فاصله‌ای دور از محل وقوع جرایم مستقر هستند و همین امر دسترسی قربانیان، شاهدان و جامعه محل نزاع را به فرآیند حقیقت‌یابی دشوارتر می‌سازد.<sup>۲۱</sup> کارکرد اصلی محکمه کیفری، نه پاسخگویی به نیازها و مطالبات قربانیان، بلکه احراز مجرمیت متهمان است. در واقع، تمرکز دادگاه کیفری بر رفتارهای ارتكابی متهمان قرار دارد و قربانیان صرفاً در حد شاهدان دعوی در روند رسیدگی مشارکت می‌کنند. از این رو، قربانیان اساساً فرصت حضور در محاکمات و بیان روایت خود را نمی‌یابند. همچنین شهادت قربانیان در محاکم کیفری اغلب از سوی وکلای مدافع متهمان مورد مناقشه قرار می‌گیرد و صداقت آنان در بیان بزه‌دیدگی و رنج‌ها و آسیب‌های ناشی از آن به چالش کشیده می‌شود.<sup>۲۲</sup> چنین وضعیتی، می‌تواند قربانیان را به بازندگان اصلی فرآیند عدالت کیفری بدل سازد.

یکی از معایب محاکم کیفری در مقایسه با سازوکارهای غیرکیفری، استفاده از ابزار «تهدید به تعقیب»<sup>۲۳</sup> است، هرچند که این حربه خود واجد کارکردی دوگانه است. تهدید به تعقیب از سوی نهادهای کیفری می‌تواند کارکردی بازدارنده داشته باشد و مرتکبان را به همکاری با فرآیندهای حقیقت‌یابی وادارد، اما عمدتاً نتیجه‌ای معکوس به همراه دارد و انگیزه کتمان حقیقت را در میان مرتکبان تقویت می‌کند.<sup>۲۴</sup> بدیهی است اعتراف به جرایم، معمولاً به طرح اتهامات بیشتر و صدور مجازات‌های شدیدتر منجر

17. Hayner, Priscilla.B, "Fifteen Truth Commissions-1974 to 1994: A Comparative Study," In Kritz, Neil.J, *Transitional Justice: How Emerging Democracies Reckon with Former Regimes*, Vol.1, *United States Institute of Peace Press*, First Published, Washington.DC, 1995, pp. 225-261.

18. Osiel, Mark J. (1995). "Ever Again: Legal Remembrance of Administrative Massacre." *University of Pennsylvania Law Review*, 144, 463-680.

19. Damaska, Mirjan R. (2008). "What Is the Point of International Criminal Justice?" Faculty Scholarship Series, 336.

20. Ibid.

۲۱. موقعیت جغرافیایی محاکم بین‌المللی یکی از چالش‌های مهم در دسترسی قربانیان و شهود به عدالت بوده است. برای نمونه، دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق (ICTY) که در لاهه مستقر بود، رسیدگی به جرایمی را برعهده داشت که در بوسنی و هرزگوین، کرواسی و کوزوو رخ داده بودند. نمونه دیگر، دادگاه ویژه لبنان (STL) است که برای رسیدگی به ترور رفیق حریری تشکیل شد، اما مقر آن در هلند قرار داشت و همین امر موجب شد که افراد به‌طور محدود به جریان رسیدگی دسترسی داشته باشند.

22. Melaku, Tadesse. "The Right to Cross-Examination and Witness Protection in Ethiopia: A Comparative Study". Chapter in *Implementation of International Human Rights Commitments and the Impact on Ongoing Legal Reforms in Ethiopia*, (2020): 62-63.

23. Threat of Prosecution.

24. Barry de Vries, "The Use of Fact-Finding within the Human Rights Council: Shaping Perceptions," *Journal of Human Rights Practice*, Volume 13, Issue 3, (2021), p. 490.

می‌شود و از آنجا که عاملان جرایم بین‌المللی اصلی‌ترین منابع اطلاعاتی وقایع ارتكابی به شمار می‌روند، تمسک به تهدید می‌تواند مانع اصلی در مسیر کشف حقیقت باشد.<sup>۲۵</sup>

از دیگر انتقاداتی که بر نقش محاکم کیفری در افشای حقیقت وارد می‌شود، به توافق‌هایی بازمی‌گردد که میان دادستان و متهم در قالب سازوکار تخفیف مجازات یا تقلیل اتهامات در قبال اقرار موسوم به «معامله اتهام»<sup>۲۶</sup> انجام می‌گیرد. معامله اتهام معادل اصطلاح انگلیسی «پلی بارگینینگ»<sup>۲۷</sup> در حقوق کامن‌لا است که به معنای چانه‌زنی یا توافق دربارهٔ اتهام تلقی می‌شود.<sup>۲۸</sup> نتیجهٔ چنین توافقی می‌تواند یا به کاهش میزان مجازات منتهی شود که از آن با عنوان «معامله مجازات»<sup>۲۹</sup> یاد می‌شود، و یا به تغییر نوع اتهام نسبت داده‌شده به متهم بینجامد که در این صورت به آن «معامله اتهام»<sup>۳۰</sup> می‌گویند.<sup>۳۱</sup> گرچه مدافعان این نهاد، بر نقش آن در تسهیل فرایند کشف حقیقت تأکید دارند، اما باید توجه داشت که چنین توافقی‌هایی می‌تواند مانعی جدی در برابر آشکار شدن تمامی ابعاد جرایم ارتكابی ایجاد کرده و در نهایت تصویری ناقص از واقعیت ارائه دهد.

نمونه‌های بارز این وضعیت در رویهٔ دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق مشاهده می‌شود. در قضیهٔ «درنجیچ»<sup>۳۲</sup>، به موجب توافق میان متهم و دادستان، رسیدگی قضایی صرفاً به حقایق مربوط به کشتارهای یک روستا محدود شد و سایر اتهامات کنار گذاشته شد.<sup>۳۳</sup> در نتیجه بخش مهمی از وقایع مرتبط با جرایم ارتكابی پنهان ماند. همچنین در قضیهٔ «پلاوسیچ»<sup>۳۴</sup>، بر اساس توافق صورت‌گرفته، کیفرخواست دادستان تنها به جرایم علیه بشریت محدود گردید و از تعقیب هفت اتهام دیگر وی، از جمله نسل‌کشی و معاونت در نسل‌کشی، صرف‌نظر شد.<sup>۳۵</sup>

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که توافق‌های قضایی هرچند می‌توانند متهمان را به افشای حقیقت دربارهٔ برخی از جرایم ارتكابی ترغیب کنند، اما این امر به بهای کتمان حقیقت نسبت به سایر جنایات انجام می‌گیرد و در نهایت، حقیقتی ناقص و گزینشی در اختیار جامعه قرار می‌دهد.<sup>۳۶</sup> از این رو، اگر هدف از برگزاری محاکمات کیفری، کشف حقیقت و ایفای نقشی مؤثر در شکل‌دهی به هویت جمعی و تاریخ مشترک جوامع در حال گذار باشد، نمی‌توان محاکم کیفری را مناسب‌ترین گزینه برای تحقق چنین مقاصدی دانست.<sup>۳۷</sup>

## ۱-۲. کشف حقیقت در لوای سازوکار کمیسیون‌های حقیقت‌یاب

آنچه از عنوان کمیسیون‌های حقیقت‌یاب برمی‌آید، این است که این نهادها اساساً با هدف کشف و تبیین یک حقیقت ایجاد شده‌اند.<sup>۳۸</sup> نخستین و مهم‌ترین کارویژهٔ یک کمیسیون حقیقت‌یاب، روشن‌ساختن ابعاد و جزئیات حقایق گذشته است که نسبت

25. Ibid.

26. Plea Bargain (In French: *Négociation de peine* or *Le plaider-coupable*).

27. معامله اتهام در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی از جمله پاراگراف هشتم ماده ۶۴ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، بخش ۲۹ مقررات شماره ۳۰/۲۰۰۰ مربوط به اداره انتقالی تیمور شرقی و قانون شماره ۲۰۰۰/۴۰ مربوط به دادگاه‌های گالچا در رواندا در ماده ۵۴ ذیل فصل دوم با عنوان «آیین اعتراف و معامله اتهامی» پیش بینی شده است. برای اطلاعات بیشتر رک به: بهزاد رضوی فرد، «کیفیات مخففه کیفر در اسناد و آراء محاکم کیفری بین‌المللی»، پژوهش حقوق کیفری، دوره ۴، شماره ۱۴ (۱۳۹۵): ۳۶-۳۰.

28. مهدی مظفری اناری و محمد امینی زاده، «مفهوم و مبانی جرم‌شناختی معامله اتهامی در نظام عدالت کیفری»، پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۱، شماره ۵۰ (۱۴۰۱): ۲۵۸.

29. Sentence Bargaining.

30. Charge Bargaining.

۳۱. فاطمه حصاربولادی، مهین سبحانی و مجتبی جانی‌پور، «بررسی شرایط و آثار معامله اتهام در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی»، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۴، شماره ۱۴ (۱۳۹۶): ۹۲.

32. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY), *Prosecutor v. Deronjić*, Case No. IT-02-61-S, Sentencing Judgment, 30 March 2004, <https://www.icty.org/en/case/deronjic> (Accessed on 1 October 2025).

33. Ibid.

34. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY), *Prosecutor v. Plavšić*, Case No. IT-00-39&40/1-S, Sentencing Judgment, 27 February 2003, <https://www.icty.org/x/cases/plavsic/tjug/en/>. (Accessed on 1 October 1, 2025).

35. Combs, Nancy, "International Decisions: Prosecutor v. Plavsic", *American Journal of International Law*, Vol.97, 2003, p. 931.

36. Drumbl, Mark. *Atrocity, Punishment, and International Law*. New York: Cambridge University Press, 2007.

37. Ibid, p. 180.

38. Ibid, p. 1124.

به محاکم کیفری این مزیت را دارد که بتواند تصویری جامع و کلی‌تر از وقایع ارائه دهد. با این حال، به دلیل محدودیت‌های زمانی و مالی، امکان بررسی تمامی رخداد‌های ارتكابی برای این کمیسیون‌ها فراهم نیست. از این رو، تمرکز آنها عمدتاً بر مهم‌ترین وقایع معطوف می‌شود تا از رهگذر آن، الگوی مشترکی از جرایم ارتكابی ترسیم شده و حقیقتی مورد وفاق جامعه در حال گذار شکل گیرد.<sup>۳۹</sup>

در ارزیابی جایگاه کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در فرآیند کشف حقیقت، ضروری است میان کشف حقیقت و تأیید جرایم ارتكاب یافته تمایز قائل شد. کشف حقیقت ناظر بر وضعیتی است که در آن اطلاعات قابل دسترس درباره جرایم ارتكابی وجود ندارد و مأموریت کمیسیون‌های حقیقت‌یاب آن است که ابعاد پنهان این وقایع را آشکار سازند. این امر به‌ویژه در خصوص پدیده ناپدیدسازی اجباری اهمیت ویژه‌ای دارد، چراکه خانواده‌های افراد ناپدیدشده پیش از آغاز به کار کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، از سرنوشت بستگان خود بی‌اطلاع هستند. در چنین مواردی، کمیسیون‌های حقیقت‌یاب قادرند اطلاعات تازه‌ای درباره سرنوشت افراد ناپدیدشده ارائه دهند. از این رو، ناپدیدسازی اجباری یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های تأسیس کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در کشورهای همچون شیلی و آرژانتین بود، به‌گونه‌ای که این کمیسیون‌ها در مراحل اولیه فعالیت خود، صلاحیت‌شان را عمدتاً بر تحقیق پیرامون همین موارد متمرکز ساخته بودند.<sup>۴۰</sup>

یکی از شاخصه‌های اصلی کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، قربانی‌محور بودن آنها است. هرچند این کمیسیون‌ها ممکن است بخشی از اطلاعات خود را از عاملان جرایم به دست آورند، اما محور اصلی فعالیت‌شان بر شنیدن روایت قربانیان و گردآوری شهادت‌های آنان استوار است.<sup>۴۱</sup> کمیسیون‌های حقیقت‌یاب استشهادهای را از قربانیان، شهود و بازماندگان جمع‌آوری کرده و تمامی اطلاعات دریافتی را مورد بررسی قرار می‌دهند. در نهایت، به واسطه استماع شهادت شهود، در صورت امکان، برگزاری جلسات استماع عمومی و انتشار گزارشی جامع از تمامی وقایع ارتكابی، این بستر را فراهم می‌کنند تا قربانیان را از حق شنیده شدن برخوردار گردانند و تمامی جرایم ارتكابی را به آگاهی جامعه برسانند.<sup>۴۲</sup> در شرایطی که دولت یا گروهی به نیابت از دولت دست به قتل یا کشتار سازمان‌یافته بزند و هم‌زمان با دستکاری ادله و تحریف واقعیات در صدد پنهان‌سازی آن برآید، کمیسیون‌های حقیقت‌یاب نقشی تعیین‌کننده در افشای این جرایم ایفا می‌کنند.<sup>۴۳</sup> در چنین وضعیتی، صرف آشکار شدن حقیقت می‌تواند برای قربانیان، خانواده‌های آنان و به‌طور کلی برای جامعه در حال گذار، مایه تشفی خاطر باشد.

با این حال، در برخی موقعیت‌ها نوع نقض‌های ارتكابی به‌گونه‌ای است که قربانیان و خانواده‌های آنان از وقوع جرایم آگاهی دارند و نیازی به کشف حقیقت از سوی کمیسیون احساس نمی‌شود. آنچه در این شرایط اهمیت دارد نه صرف کشف حقیقت، بلکه تأیید مجرمانه بودن اعمال ارتكابی است. این اعمال، سال‌ها به‌دست دولت‌ها صورت گرفته، اما یا هرگز با آنها به‌مثابه جرم یا تخلف برخورد نشده و یا به دلایل سیاسی و اجتماعی توجیه شده‌اند.

39. Quinn, Joanna R., and Mark Freeman. "Lessons Learned: Practical Lessons Gleaned from inside the Truth Commissions of Guatemala and South Africa." *Human Rights Quarterly* 25, no. 4 (2003): 1139-40.

۴۰. شاید اگر در کشورهای آمریکای لاتین، «ناپدیدسازی اجباری مخالفان» به‌عنوان شیوه‌ای رایج در سرکوب سیاسی به کار گرفته نمی‌شد، کمیسیون‌های حقیقت‌یاب هرگز به گستردگی امروزی نمی‌رسیدند.

41. Kelsall, Tim. (2005). "Truth, Lies, Ritual: Preliminary Reflections on the Truth and Reconciliation Commission in Sierra Leone." *Human Rights Quarterly*, 27, no. 2, 368-371.

42. United Nations Commission on Human Rights, Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, para. 22.

۴۳. برای نمونه می‌توان به کشتارهای صورت گرفته در گواتمالا در اوایل دهه ۱۹۸۰ طی جنگ داخلی این کشور اشاره نمود که با توجه به دسترسی محدود به مناطق درگیر، اطلاعات در رابطه با کشتارهای صورت گرفته بسیار محدود بود.

نمونه بارز چنین وضعیتی را می‌توان در آفریقای جنوبی، تحت حاکمیت رژیم «آپارتاید»<sup>۴۴</sup> مشاهده کرد. جامعه آفریقای جنوبی از بسیاری از اقدامات تبعیض‌آمیز و خشونت‌بار علیه اکثریت سیاه‌پوست آگاهی داشت. هدف اصلی از تشکیل کمیسیون حقیقت‌یاب در این کشور نه صرفاً کشف اطلاعات تازه، بلکه کسب تأیید رسمی بر مجرمانه بودن اعمالی بود که در آن دوران به‌عنوان اقداماتی موجه و قانونی جلوه داده می‌شدند.<sup>۴۵</sup>

به همین دلیل، کمیسیون حقیقت‌یاب گواتمالا در جریان تحقیقات خود بارها از نهادهای دولتی خواستار ارائه اسناد مرتبط شد، اما در اغلب موارد با این پاسخ مواجه گردید که اسناد مورد نظر یا مفقود شده و یا به‌طور عمدانه از میان برده شده‌اند.<sup>۴۶</sup> در چنین جوامعی، کشف حقیقت به‌تنهایی هدف غایی کمیسیون محسوب نمی‌شود. آنچه اهمیت می‌یابد، آثار سازنده‌ای است که از تأیید و اعلام رسمی حقایق موجود ناشی می‌گردد.<sup>۴۷</sup> تصدیق مجرمانه بودن تخلفات ارتكابی می‌تواند به بازپروری روانی قربانیان یاری برساند و در روند آشتی فردی آنان نقشی مؤثر ایفا کند. افزون بر این، اعلام عمومی و رسمی ماهیت مجرمانه اعمال ارتكابی، زمینه استقرار مجدد حاکمیت قانون را فراهم ساخته و اعتماد جامعه به نظم حقوقی را بازسازی می‌نماید که با تعامل کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و نهادهای کیفری، از طریق تبادل یافته‌ها و صحت‌سنجی نتایج، کارآمدی بیشتری پیدا می‌کند.<sup>۴۸</sup>

## ۲. ارتباط میان کمیسیون حقیقت‌یاب (TRC) و دادگاه ویژه سیرالئون (SCSL)

یکی از مباحث چالش‌برانگیز در حوزه فعالیت کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، میزان و نحوه قابلیت استناد به شهادت‌ها و اطلاعات گردآوری‌شده توسط این نهادها در محاکم کیفری است. این پرسش از آنجا نشأت می‌گیرد که کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، برخلاف دادگاه‌ها، نهادهایی غیرقضایی و با ماهیت شبه‌تحقیقی‌اند که مأموریت اصلی آن‌ها نه صدور حکم، بلکه مستندسازی نقض‌های فاحش حقوق بشر و ارائه تصویری جامع از حقایق مربوط به وقایع گذشته است.

در این بین تجربه سیرالئون می‌تواند نمونه بارزی از بیان ارتباط کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و دادگاه کیفری باشد، چرا که در این کشور بعد از یک دوره جرایم ارتكابی بین‌المللی جهت گذار به دوران صلح و سازش شاهد شکل‌گیری هر دو نهاد کمیسیون حقیقت‌یاب و دادگاه کیفری ویژه هستیم. هم‌زمان با پایان این جنگ و در چارچوب فرایند عدالت انتقالی، دو نهاد مستقل اما مکمل یکدیگر شکل گرفتند. نخست «دادگاه ویژه سیرالئون»<sup>۴۹</sup> (زین پس دادگاه ویژه) و سپس «کمیسیون حقیقت‌یاب سیرالئون»<sup>۵۰</sup>.

۴۴. رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی نظامی مبتنی بر جداسازی نژادی بود که از سال ۱۹۴۸ تا اوایل دهه ۱۹۹۰ در این کشور برقرار بود و بر پایه‌ی تفوق اقلیت سفیدپوست بر اکثریت سیاه‌پوست عمل می‌کرد. این نظام با تصویب مجموعه‌ای از قوانین تبعیض‌آمیز، سیاه‌پوستان را از حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی محروم می‌ساخت و به سرکوب شدید مخالفان داخلی می‌پرداخت. برای مطالعه فرایند فروپاشی آن ر.ک به مجموعه گزارشات کمیسیون حقیقت‌یاب در:

Truth and Reconciliation Commission of South Africa, *Truth and Reconciliation Commission of South Africa Report*, Vol. 1 (Cape Town: Juta, 1998), <https://www.justice.gov.za/trc/report/index.htm>.

45. Hayner, *Unspeakable Truths, Transitional Justice and the Challenge of Truth Commissions*, *op.cit.*, p.21; Goldstone, Richard.J, "Past Human Rights Violations: Truth Commissions and Amnesties or Prosecutions", *op.cit.*, p. 168

۴۶. بسته به آنکه مقاومت در برابر فعالیت کمیسیون‌های حقیقت‌یاب از سوی چه نهادهایی صورت گیرد، می‌توان این کمیسیون‌ها را به ابزارهای مقتضی مجهز ساخت یا دامنه اختیارات آن‌ها را برای دستیابی به اطلاعات و اسناد افزایش داد. به‌عنوان نمونه، در کمیسیون حقیقت‌یاب گواتمالا گروه ویژه‌ای متشکل از نیروهای نظامی تشکیل شد که با ساختار درونی ارتش این کشور آشنایی داشتند و مأموریت یافتند موانع مربوط به دسترسی به اطلاعات و اسناد نظامی را برطرف سازند. در آفریقای جنوبی نیز کمیسیون حقیقت‌یاب از اختیار صدور احضاریه برای مقامات برخوردار بود و از این طریق می‌توانست بر مقاومت نهادهای رسمی غلبه نماید. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به:

Quinn & Freeman, *op.cit.*, pp. 1137-38.

47. Eirin Mobekk, *Transitional Justice in Post-Conflict Societies—Approaches to Reconciliation. in Peace Support Operations and Humanitarian Interventions*, ed. Federal Ministry of Defence (Austria), Working Group 12, International Society of Military Sciences (Vienna: Federal Ministry of Defence, 2010): 271. [https://www.bmlv.gv.at/pdf\\_pool/publikationen/10\\_wg12\\_psm\\_100.pdf](https://www.bmlv.gv.at/pdf_pool/publikationen/10_wg12_psm_100.pdf)

۴۸. در این زمینه، نظر مخالفی وجود دارد مبنی بر اینکه ناکامی کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در کشف حقایق جدید می‌تواند به سرخوردگی قربانیان بینجامد، چراکه قربانیان، در هر حال، انتظار دارند اطلاعات تازه‌ای درباره جرایم ارتكابی کشف و ارائه شود.

49. The Special Court of Sierra Leone (also known as: SCSL or 'Special Court').

50. Truth and Reconciliation Commission of Sierra Leone (TRC of Sierra Leone).

هر دو نهاد مأموریت داشتند در جهت تحقق عدالت و بازسازی جامعه جنگ‌زده سیرالئون عمل کنند، با این تفاوت که کمیسیون حقیقت‌یاب وظیفه مستندسازی نقض‌های گسترده حقوق بشر و ترسیم روایت تاریخی منازعه را بر عهده داشت، حال اینکه دادگاه ویژه مأمور تعقیب و محاکمه عاملان اصلی جنایات بین‌المللی بود. علی‌رغم تمایز میان این دو نهاد، گاه یافته‌ها و شهادت‌های گردآوری‌شده توسط کمیسیون می‌توانست در رویه محاکم کیفری نقش مؤثری ایفا کند و مسیر تحقیقات قضایی را تسهیل نماید.<sup>۵۱</sup> در ادامه شیوه تعامل این دو نهاد تبیین شده است.

## ۱-۲. اختلافات بروکراتیک کمیسیون حقیقت‌یاب (TRC) و دادگاه ویژه سیرالئون (SCSL)

در تاریخ ۲۳ مارس ۱۹۹۱، گروهی کوچک اما به شدت مسلح از شورشیان که خود را «جبهه متحد انقلابی»<sup>۵۲</sup> می‌نامیدند، با هدف سرنگونی دولت سیرالئون، از مرز لیبریا وارد خاک این کشور شدند و اندکی بعد، با ارتکاب قتل، تجاوز، غارت اموال و ایجاد رعب و وحشت در میان ساکنان روستاهای مرزی، موجی از خشونت و بی‌ثباتی به راه انداختند. این وقایع، سرآغاز یکی از خون‌بارترین جنگ‌های داخلی قاره آفریقا بود که بیش از یازده سال، یعنی تا سال ۲۰۰۲، به طول انجامید.<sup>۵۳</sup> دو سال پیش از اتمام کامل جنگ داخلی سیرالئون در اوت ۲۰۰۰، هنگامی که شورای امنیت سازمان ملل متحد با درخواست رئیس‌جمهور وقت سیرالئون، «احمد تیجان کابه»<sup>۵۴</sup>، مبنی بر ایجاد یک دادگاه بین‌المللی ویژه برای رسیدگی به جنایات موافقت کرد، یکی از مسائل اصلی، نحوه ارتباط این دادگاه با کمیسیون حقیقت‌یاب این کشور بود. به طور کلی، کمیسیون‌های حقیقت‌یاب به‌عنوان بدیلی در برابر عدالت کیفری شناخته می‌شوند. از این رو، به‌کارگیری هم‌زمان دو نهاد متفاوت برای پاسخگویی به جنایات رخ داده، پرسش‌هایی را مطرح ساخت که تا پیش از آن کمتر مورد توجه قرار گرفته بود. هر چند در آن مقطع زمانی، کمیسیون حقیقت‌یاب سیرالئون همچنان تأسیس نشده بود، اما ایجاد آن در «توافق صلح لومه»<sup>۵۵</sup> مورخ ۷ ژوئیه ۱۹۹۹ پیش‌بینی شده و در فوریه ۲۰۰۰ به موجب مصوبه پارلمان سیرالئون مورد تأیید قرار گرفته بود.<sup>۵۶</sup> بر اساس بند نخست ماده ششم «قانون کمیسیون حقیقت و آشتی» (۲۰۰۰)<sup>۵۷</sup>، این کمیسیون مأموریت داشت: (۱) گزارشی تاریخی و بی‌طرفانه از نقض‌ها و سوءاستفاده‌های حقوق بشری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه مرتبط با مخاصمه مسلحانه سیرالئون، از آغاز درگیری در سال ۱۹۹۱ تا امضای توافق صلح لومه، تهیه کند؛ (۲) به معضل مصونیت افراد رسیدگی نماید؛ (۳) به نیازهای قربانیان پاسخ دهد؛ (۴) فرایند التیام و آشتی را ارتقا بخشد؛ و (۵) از تکرار نقض‌ها و سوءاستفاده‌های ارتكابی جلوگیری نماید.<sup>۵۸</sup> دبیرکل سازمان ملل متحد در آغاز تأکید کرده بود که ایجاد سازوکارهایی برای هماهنگی میان دادستان دادگاه ویژه و کمیسیون حقیقت‌یاب امری ضروری است (بند ۸).<sup>۵۹</sup> بخشی از این هماهنگی‌ها ناظر بر امکان استفاده از کمیسیون به‌عنوان جایگزینی

۵۱ سبحانی، مهین، (۱۳۹۶) سازوکارهای کارآمد و مشروع عدالت انتقالی، پژوهشنامه حقوق کیفری سال هشتم، شماره اول، ۱۵، ۹۶-۹۵  
52. Revolutionary United Front (RUF).

۵۳. برای اطلاعات کامل پیرامون این جنگ داخلی، ر.ک به کانال یوتیوب:

Africon Productions, "The True Cause of the War That DESTROYED Sierra Leone – Sierra Leone Civil War," YouTube video, 17:49, posted September 1, 2025, [https://youtu.be/3iGxZ2uLi3c?si=o\\_Xu0UqjccPcjoHe](https://youtu.be/3iGxZ2uLi3c?si=o_Xu0UqjccPcjoHe).

54. Ahmad Tejan Kabbah.

55. Lomé Peace Agreement (1999).

56. Government of Sierra Leone and Revolutionary United front of Sierra Leone, *Lomé Peace Agreement between the Government of Sierra Leone and the Revolutionary United Front of Sierra Leone*, July 7, 1999, Lomé, Togo, [https://peaceaccords.nd.edu/wp-content/accords/The\\_Lome\\_Peace\\_Agreement-1999\\_0.pdf](https://peaceaccords.nd.edu/wp-content/accords/The_Lome_Peace_Agreement-1999_0.pdf).

57. Parliament of Sierra Leone, *The Truth and Reconciliation Commission Act*, 2000 (Act No. 4 of 2000), <https://www.sierra-leone.org/Laws/2000-4.pdf>.

58. Ibid, Art. 6(1).

59. UN Security Council, *Report of the Secretary-General on the establishment of a Special Court for Sierra Leone*, S/2000/915,(4 October 2000): § 8 <https://www.refworld.org/reference/countryrep/unsc/2000/en/30376>.

برای تعقیب کیفری و نیز تعیین شیوه رسیدگی به افراد نوجوان بود. (بند ۳۷). در عین حال، استدلال می‌شد که منابع محدود باید میان هر دو نهاد تقسیم گردد (بندهای ۲۸، ۶۷، ۶۸). این مجموعه تدابیر بر همکاری موازی این دو نهاد تأکید داشتند.<sup>۶۰</sup> با این حال، در این میان، سندی تحت عنوان «قانون اجرای موافقت‌نامه دادگاه ویژه سیرالئون» (۲۰۰۲)<sup>۶۱</sup> به تصویب رسید که بر اساس بند دوم ماده ۲۱ آن مقرر شده بود: «صرف‌نظر از هر قانون دیگری، هر شخص حقیقی یا حقوقی و هر نهاد ایجادشده بر اساس قوانین سیرالئون موظف است از دستورات صادره از سوی دادگاه ویژه تبعیت کند» (ماده ۲۱، بند ۲). هرچند به موجب قانون کمیسیون حقیقت و آشتی (۲۰۰۰)، کمیسیون حقیقت‌یاب مجاز بود اطلاعات، اسناد و شهادت شهود را به صورت محرمانه دریافت کند، اما قانون اجرای موافقت‌نامه دادگاه ویژه به لحاظ زمان تصویب، متأخر از قانون پیشین بود و با تصریح به عبارت «صرف‌نظر از هر قانون دیگری»<sup>۶۲</sup>، کمیسیون را مکلف به تبعیت کامل از دستورات و احکام دادگاه ویژه سیرالئون نمود. این رابطه سرانجام با رخدادی ناخوشایند پایان یافت. ماجرا از آنجا آغاز شد که برخی از زندانیان دادگاه ویژه خواستار ادای شهادت در جلسات علنی کمیسیون، در ازای برخورداری از تخفیف یا برائت از مجازات شدند، در حالی که اعطای چنین برائتی با توجه به محدودیت‌های ایجاد شده بر کمیسیون حقیقت‌یاب ممکن نبود. از طرفی دادستان دادگاه ویژه با درخواست محرمانه بودن این شهادت‌ها نزد کمیسیون حقیقت‌یاب مخالفت کرد و موضع وی نهایتاً در حکمی از سوی رئیس دادگاه ویژه، مورد تأیید قرار گرفت<sup>۶۳</sup> و بیش از پیش به اختلافات بروکراتیک این دو نهاد دامن زد.

## ۲-۲. اختلافات مربوط به اخذ شهادت شهود در کمیسیون حقیقت‌یاب (TRC) و دادگاه ویژه سیرالئون (SCSL)

اختلافات مربوط به اخذ شهادت شهود در مرکز ثقل تنش‌های میان دادگاه ویژه و کمیسیون حقیقت‌یاب قرار داشت. حتی پیش از آغاز به کار دادگاه ویژه نیز نگرانی گسترده‌ای وجود داشت مبنی بر اینکه مرتکبان حاضر به شهادت دادن در برابر کمیسیون نخواهند شد، چرا که این نهاد امکان اعطای عفو در قبال افشای حقیقت را در اختیار ندارد. در الگوی برخی کمیسیون‌های حقیقت‌یاب دیگر همچون آفریقای جنوبی، عفو در برابر اعتراف کامل پیش‌بینی شده بود، اما در سیرالئون چنین امتیازی پیش‌بینی نشده بود و حدود و ثغور عفو، پیش‌تر در توافق صلح لومه (۱۹۹۹) مشخص شده بود.<sup>۶۴</sup> با آغاز فعالیت دادگاه ویژه، مشکل دیگری به این وضعیت افزوده شد. این تصور وجود داشت که چنانچه برخی مرتکبان تمایل به شهادت در برابر کمیسیون حقیقت‌یاب داشته باشند، این احتمال وجود دارد که اظهاراتشان بعداً در روند تعقیب کیفری توسط دادگاه ویژه مورد استفاده قرار گیرد. از منظر کمیسیون، نگرانی اصلی آن بود که دسترسی دادگاه به اسناد و اطلاعات، می‌تواند اثر بازدارنده‌ای بر مرتکبان داشته باشد که ممکن بود در شرایطی دیگر مایل به همکاری با کمیسیون باشند. بند ۳ از ماده ۷ «قانون کمیسیون حقیقت و آشتی» (۲۰۰۰) مقرر می‌دارد: «به صلاح‌دید کمیسیون، هر شخص می‌تواند اطلاعاتی را به صورت

۶۰. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، ر.ک به توصیه‌های «دیده‌بان حقوق بشر» پیرامون نحوه تعامل کمیسیون حقیقت‌یاب و دادگاه ویژه سیرالئون در:

Human Rights Watch, *The Interrelationship between the Sierra Leone Special Court and Truth and Reconciliation Commission*, April 18, 2002, <https://www.hrw.org/node/235779/printable/print>

61. Parliament of Sierra Leone, *Special Court Agreement, 2002 (Ratification) Act*, 2002, Accessed on October 6, 2025 at: <https://www.rscsl.org/Documents/SCSL-ratificationact.pdf>.

62. Notwithstanding any other law.

63. Special Court for Sierra Leone (SCSL), *Decision on Appeal by the Truth and Reconciliation Commission for Sierra Leone ('TRC') and Chief Samuel Hinga Norman JP Against the Decision of His Lordship, Mr Justice Bankole Thompson Delivered on 30 October 2003 to Deny the TRC's Request to Hold a Public Hearing With Chief Samuel Hinga Norman JP*, Case No. SCSL-2003-08-PT, 28 November 2003. <https://www.rscsl.org/Documents/Decisions/CDF/Appeal/122/SCSL-03-08-PT-122.pdf>

۶۴. عفو عمومی نیروهای درگیر در جنگ داخلی سیرالئون در ماده ۹ توافق‌نامه صلح لومه (۱۹۹۹) پیش‌بینی شده است. در این ماده، دولت متعهد شد به منظور تحکیم صلح و آشتی ملی، عفو مطلق و بدون قید و شرط برای تمامی اعضا و همکاران نیروهای دفاع مدنی، جبهه متحد انقلابی و سایر گروه‌های مسلح اعطا کند. این ماده بعدها یکی از نقاط چالش‌برانگیز در تلاقی عدالت انتقالی و مصونیت از تعقیب شد، کما اینکه دادگاه ویژه سیرالئون اعطای چنین عفوئی را برای جنایات بین‌المللی افراد، غیرقابل تسری دانست. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به:

Republic of Sierra Leone, *Lomé Peace Agreement between the Government of Sierra Leone and the Revolutionary United Front of Sierra Leone*, 7 July 1999, Art. IX, [https://peaceaccords.nd.edu/wp-content/accords/The\\_Lome\\_Peace\\_Agreement\\_1999\\_0.pdf](https://peaceaccords.nd.edu/wp-content/accords/The_Lome_Peace_Agreement_1999_0.pdf)

محرمانه در اختیار کمیسیون قرار دهد و کمیسیون نمی‌تواند ملزم به افشای اطلاعاتی گردد که به‌طور محرمانه در اختیار آن نهاده شده است.» با این حال، بسیاری بر این باور بودند که این حکم در برابر احضاریه صادره از سوی دادگاه ویژه، تاب مقاومت نخواهد داشت.

برای نمونه، در گزارش یازدهم دبیرکل سازمان ملل متحد اشاره شده است که برخی از اعضای پیشین جبهه متحد انقلابی نسبت به همکاری با کمیسیون ترغیب شده‌اند، اما در عین حال نگران استقلال کمیسیون و رابطه آن با دادگاه ویژه بوده‌اند (بند ۴۴)<sup>۶۵</sup> و از این رو، از شهادت نزد کمیسیون خودداری کرده‌اند. البته سنجش میزان تأثیر واقعی این عوامل در شهادت دادن یا ندادن افراد، به دلیل پیچیدگی‌های روانی و اجتماعی مرتبط با رفتار مرتکبان، تقریباً ناممکن است. با این حال، یک واقعیت انکارناپذیر وجود دارد و آن این است که بسیاری از مرتکبان، علی‌رغم فقدان هرگونه مشوق و حتی در برابر تهدید به تعقیب کیفری، در برابر کمیسیون حاضر شدند و به ادای شهادت پرداختند.<sup>۶۶</sup> برآورد می‌شود که در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۴، بیش از هشت‌هزار نفر در زمره‌ی شهود کمیسیون حقیقت‌یاب سیرالئون قرار گرفته‌اند که عمدتاً از میان قربانیان، عاملان جرایم و شاهدان محلی در دوازده منطقه‌ی این کشور گردآوری شده بودند.<sup>۶۷</sup>

در تأیید این کلام، می‌توان به گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب سیرالئون رجوع نمود که تصریح کرده است طی جلسات علنی و غیرعلنی، نه تنها قربانیان و شهود بلکه مرتکبان و اعضای گروه‌های مسلح نیز داوطلبانه برای ارائه‌ی شهادت حاضر شدند (جلد اول، فصل ۵، بندهای ۱۹۶ و ۱۹۷)، و هرگاه نام فردی به‌عنوان مرتکب مطرح می‌شد، کمیسیون او را برای ادای توضیح فرا می‌خواند (همان جلد، همان فصل، بند ۲۰۶). در جلد دیگری از گزارش نیز تأکید شده است که یافته‌ها بر پایه‌ی اظهارات متعدد قربانیان، شاهدان و حتی مرتکبین بنا شده است (جلد دوم، فصل ۱، بند ۶). همچنین، کمیسیون یادآور شده است که برخی مرتکبان به‌سبب بیم از تعقیب قضایی از حضور امتناع داشتند و برای ترغیب آنان تدابیر محرمانه‌ای در نظر گرفته شد (جلد اول، فصل ۵، بند ۲۳). نهایتاً، کمیسیون پیشنهاد کرد تا شهود از مصونیت قضایی برخوردار گردند و بدین جهت افراد بتوانند بدون ترس از پیگرد در فرایند حقیقت‌یابی مشارکت کنند (جلد سوم (ب)، فصل ۶، بند ۷۱). یکی از دلایل مهم استقبال از کمیسیون، استناد آن به معاضدت رهبران مذهبی و سنتی جامعه سیرالئون در برگزاری جلسات استماع عمومی بود که به دلیل هماهنگی با فرهنگ و اعتقادات مردم منطقه توانست به نتایج مثبتی منجر گردد.<sup>۶۸</sup>

## ۱-۲-۲. شهادت نافرجام «چیف ساموئل هینگا نورمن» و «آگوستین گبائو»

بازداشت عضو کابینه دولت وقت، «چیف ساموئل هینگا نورمن»<sup>۶۹</sup> در مارس ۲۰۰۳ اتفاق افتاد. او به دلیل ایفای نقش در مقام هماهنگ‌کننده ملی نیروهای شبه‌نظامی طرفدار دولت، تحت تعقیب قرار گرفت و در ۲۶ اوت ۲۰۰۳ خواستار شهادت در برابر کمیسیون شد. اندکی پس از وی، متهمی دیگر به نام «آگوستین گبائو»<sup>۷۰</sup> در ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۳ خواستار حضور و شهادت در برابر کمیسیون حقیقت‌یاب شد.

در پی این درخواست‌ها و پس از مشورت با مقامات دادگاه ویژه سیرالئون، دبیرکل اداری دادگاه ویژه، سندی تحت عنوان «دستورالعمل روبه‌ای در خصوص چگونگی اقدام پس از درخواست یک مرجع ملی یا کمیسیون حقیقت‌یاب برای اخذ اظهارات از

65. United Nations, *Eleventh Report of the Secretary-General on the United Nations Mission in Sierra Leone*, UN Doc. S/2001/857 (2001), §44, <https://documents.un.org/doc/undoc/gen/n01/529/63/pdf/n0152963.pdf>.

66. در گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب سیرالئون به کرات به تعداد بالای شهود و مشارکت آنها اشاره شده است (در خصوص بندهای مورد اشاره، ر.ک به پاراگراف بعدی متن). برای دسترسی به نسخه‌های کامل این گزارش ر.ک به:

Truth and Reconciliation Commission of Sierra Leone, *Witness to Truth: Final Report*, Vol. 1, ch. 5, paras. 23, 196–197, 206; Vol. 2, ch. 1, para. 6; Vol. 3B, ch. 6, para. 71 (2004), <https://www.sierraleonecrrc.org/index.php/view-the-final-report>

67. مهین سبحانی، «ارزیابی سازوکارهای سنتی اجرای عدالت در جوامع انتقالی»، پژوهش حقوق کیفری، دوره ۴، شماره ۱۵ (۱۳۹۵): ۲۹.

68. مهین سبحانی، «سازوکارهای کارآمد و مشروع عدالت انتقالی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۸، شماره ۱ (۱۳۹۶): ۹۵–۹۶.

69. Chief Samuel Hinga Norman.

70. Augustine Gbao.

شخصی در بازداشت دادگاه ویژه سیرالئون» (۲۰۰۳) (زین پس دستورالعمل رویه‌ای)<sup>۷۱</sup> صادر کرد. این دستورالعمل، سازوکاری را پیش‌بینی می‌کرد که بر اساس آن، کمیسیون حقیقت‌یاب و یا سایر نهادهای ذی‌ربط می‌بایست پیش از اخذ شهادت شهود، تقاضای رسمی خود را به یکی از قضات دادگاه ویژه ارائه می‌دادند (بند ۵). در این درخواست باید فهرستی از پرسش‌های مشخصی که قصد طرح از فرد بازداشت شده وجود داشت، درج می‌شد (بند ۲). مصاحبه باید تحت نظارت یکی از مقامات حقوقی دادگاه انجام می‌گرفت که اختیار داشت از طرح برخی پرسش‌ها جلوگیری کرده یا حتی به‌طور کامل مصاحبه را خاتمه دهد (بند ۶). تمامی مصاحبه‌ها می‌بایست ضبط و متن‌نگاری شوند تا سوابق رسمی آن‌ها در دسترس باقی بماند (بند ۸) و سرانجام، رونوشت تمامی مصاحبه‌ها می‌بایست به‌طور معمول در اختیار دادستان دادگاه ویژه قرار می‌گرفت تا در جریان دادرسی مورد استفاده قرار گیرد (بند ۸). کمیسیون حقیقت‌یاب در نامه‌ای خطاب به دبیرکل اداری دادگاه ویژه، به دستورالعمل صادر شده واکنش نشان داد. استدلال کمیسیون عمدتاً بر حق محرمانه بودن اخذ شهادت شهود متمرکز بود، هرچند که این موضوع ارتباط مستقیمی با پرونده افرادی که خواستار شهادت علنی بودند نداشت. سرانجام، دستورالعمل مزبور در تاریخ ۴ اکتبر ۲۰۰۳ مورد بازبینی قرار گرفت.

بر اساس اصلاحات جدید، رونوشت مصاحبه‌ها دیگر به‌طور خودکار در اختیار دادستان قرار نمی‌گرفت (بند ۴(b))، بلکه ابتدا در بخش مدیریت دادگاه بایگانی می‌شد و صرفاً در صورت صدور دستور از سوی قاضی رئیس، می‌توانست در اختیار هر یک از طرفین دادرسی کیفری، از جمله دادستان، قرار گیرد (بند ۴(b) و بند ۴(c)). افزون بر این، دستورالعمل اصلاح‌شده تصریح می‌کرد که اصل بر پذیرش درخواست‌های مصاحبه با بازداشت‌شدگان است. بدین ترتیب، قاضی رئیس موظف بود در صورتی که از رضایت بازداشت‌شده برای پاسخ‌گویی و آگاهی کامل وی از حقوقش اطمینان حاصل کند، درخواست را (حتی به‌صورت مشروط) بپذیرد. تنها در صورتی امکان رد درخواست شهادت شهود وجود داشت که قاضی رئیس احراز می‌کرد این امر برای حفظ مصالح عدالت یا صیانت از تمامیت روند رسیدگی دادگاه ویژه ضرورت دارد (بند ۵). علی‌رغم مخالفت مجدد کمیسیون با دستورالعمل اصلاحی<sup>۷۲</sup>، در تاریخ هفتم اکتبر ۲۰۰۳، کمیسیون تقاضای برگزاری جلسه علنی برای استماع اظهارات سام هینگا نورمن را به دادگاه ویژه تسلیم نمود. چند روز بعد، در ۱۰ اکتبر ۲۰۰۳، دومین درخواست رسمی خود را برای برگزاری جلسه‌ای مشابه با آگوستین گبائو ارائه کرد.<sup>۷۳</sup>

قاضی دادگاه ویژه با هر دو درخواست مخالفت کرد. استدلال وی بر یک عبارت خاص در متن درخواست کمیسیون متمرکز بود. کمیسیون برای توجیه اهمیت این جلسه نوشته بود که شهود «نقشی محوری در جریان درگیری‌ها ایفا کرده‌اند».<sup>۷۴</sup> قاضی این جمله را به معنای پیش‌داوری از سوی کمیسیون تعبیر کرد و استدلال نمود که چنین عبارتی با اصل برائت آنان مغایرت داشته

---

71. The Special Court for Sierra Leone, "Practice Direction on the Procedure Following a Request by a State, the Truth and Reconciliation Commission, or Other Legitimate Authority to Take a Statement from a Person in the Custody of the Special Court for Sierra Leone," (Adopted 9 September 2003, Amended 4 October 2003), [https://www.rscsl.org/Documents/PRACTICE\\_DIRECTION\\_Request\\_for\\_Statement.pdf](https://www.rscsl.org/Documents/PRACTICE_DIRECTION_Request_for_Statement.pdf).

۷۲. در این خصوص ر.ک به سند زیر که به پاسخ کمیسیون حقیقت‌یاب به دستورالعمل اصلاحی دادگاه ویژه سیرالئون و مخالفت آنان با اجرای این دستورالعمل پرداخته است. در این سند ذکر شده است که: «...In short the TRC will not interview persons in the circumstances prescribed by»

... *In our view the Practice Direction is ill-conceived* ... the Practice Direction. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به صفحه سوم سند زیر:

Truth and Reconciliation Commission for Sierra Leone (TRC), *Response by the Truth and Reconciliation Commission for Sierra Leone to the Registrar of the Special Court for Sierra Leone Regarding Chief Samuel Hinga Norman*, 9 September 2003, [https://www.sierraleonetr.com/images/docs/hinganorman/2003-09-09\\_Response\\_to\\_Reg\\_SC\\_re\\_HN.pdf](https://www.sierraleonetr.com/images/docs/hinganorman/2003-09-09_Response_to_Reg_SC_re_HN.pdf)

73. Truth and Reconciliation Commission for Sierra Leone (TRC), *Request by the Truth and Reconciliation Commission for Sierra Leone to Hold a Public Hearing with Chief Samuel Hinga Norman JP*, Case No. SCSL-2003-08-PT (8 October 2003), <https://www.rscsl.org/Documents/Decisions/CDF/08-101/SCSL-03-08-PT-086.pdf>; Truth and Reconciliation Commission for Sierra Leone (TRC), *Request AAB 002 (submitted on 10 October 2003) to Conduct a Public Hearing with Mr. Augustine Ato Gbao*, Case No. SCSL-2003-09-PT (10 October 2003), <https://www.rscsl.org/Documents/Decisions/RUF/09-063/SCSL-03-09-PT-049.pdf>.

74. "The accused played a central role in the conflicts in Sierra Leone."

است.<sup>۷۵</sup> از سوی دادستانی در لوایح خود برای توجیه رد استماع شهادت آگوستین گبائو استدلال نمود که برگزاری این جلسه به دلیل قرار داشتن پرونده وی در مرحله «رسیدگی قضایی جاری»<sup>۷۶</sup> نامناسب است.<sup>۷۷</sup> قاضی هشدار داد که شهادت نورمن و گبائو در کمیسیون ممکن است احساسات عمومی را برانگیزد و موجب هراس قربانیان و شهود احتمالی بعدی دادگاه ویژه شود.<sup>۷۸</sup> این تفسیر به چند دلیل منطقی به نظر نمی‌رسد. اول اینکه، در جامعه سیرالئون، تردیدی وجود نداشت که نورمن و گبائو از چهره‌های محوری در جریان جنگ داخلی بوده‌اند. دوم، کیفرخواست رسمی دادگاه ویژه نیز به صراحت ذکر کرده بود که ساموئل هینگا نورمن، هماهنگ‌کننده ملی «نیروهای دفاع مدنی»<sup>۷۹</sup> بوده و در نتیجه، عامل اصلی در تأسیس، سازماندهی، پشتیبانی لجستیکی و ترویج فعالیت‌های این نیرو محسوب می‌شود.<sup>۸۰</sup> دادگاه خود این کیفرخواست را تأیید کرده و بدین ترتیب پذیرفته بود که در صورت اثبات ادعاهای مندرج در آن، رفتار نورمن مصداق جنایت‌های مندرج در کیفرخواست خواهد بود. سوم، افراد شخصاً هیچ اعتراضی به برگزاری جلسه استماع شهادت نداشتند و کما اینکه خواستار آن هم بودند. قاضی به نیابت از نامبردگان چنین ایرادی را مطرح کرده بود و در تصمیم نهایی خود نوشته بود: «در چارچوب کلی عدالت بین‌المللی، این وظیفه‌ی قضات بین‌المللی است که از منافع جامعه جهانی پاسداری کنند و اطمینان یابند که اشخاص متهم به ارتکاب جنایات بین‌المللی، از حقوق دادرسی منصفانه مضاعفی<sup>۸۱</sup> برخوردار شوند».<sup>۸۲</sup>

دستورالعمل رویه‌ای این امکان را پیش‌بینی کرده بود که در صورت اعتراض به تصمیمات دادگاه، طرفین بتوانند درخواست تجدیدنظرخواهی ارائه دهند. از این رو، کمیسیون حقیقت‌یاب در ۴ نوامبر ۲۰۰۳ رسماً درخواست تجدیدنظرخواهی خود را ثبت کرد. در جریان جلسه، قاضی تجدیدنظر از نماینده دادستان خواست تا درباره‌ی نقش و جایگاه نورمن در دولت وقت توضیح دهد و نماینده دادستان تأیید کرد که نورمن با رضایت و تأیید دولت در کابینه حضور داشته است. سپس قاضی تجدیدنظر از نمایندگان کمیسیون حقیقت‌یاب پرسید آیا قصد دارند درباره‌ی گناهکاری یا بی‌گناهی اشخاص خاصی اظهار نظر کنند یا خیر؟ نمایندگان کمیسیون پاسخ دادند که خیر، زیرا کمیسیون ماهیتی قضایی ندارد. قاضی در پاسخ گفت بهتر است کمیسیون از صدور هرگونه اظهار نظر درباره‌ی نقش یا مسئولیت افراد متهم از سوی دادگاه ویژه خودداری کند.<sup>۸۳</sup> سرانجام در تاریخ ۲۸ نوامبر ۲۰۰۴ دلایل و رأی دادگاه تجدیدنظر صادر شد. دادگاه تجدیدنظر در این تصمیم، درخواست کمیسیون را به‌طور جزئی پذیرفت، به این معنا که به ساموئل هینگا نورمن و آگوستین گبائو اجازه داده شد با کمیسیون حقیقت‌یاب دیدار کنند، اما برگزاری جلسه علنی آنان همچنان ممنوع اعلام شد.<sup>۸۴</sup> شهود در چنین شرایط محدودی حاضر نشدند با کمیسیون همکاری کنند و در نتیجه، کمیسیون حقیقت‌یاب بدون استماع شهادت شهود به کار خود پایان داد.<sup>۸۵</sup>

## ۲-۲-۲. امکان استناد به شهادت‌های اخذ شده در کمیسیون حقیقت‌یاب (TRC) در دادگاه ویژه سیرالئون (SCSL)

75. The Special Court for Sierra Leone (SCSL), *Grounds of Appeal by Chief Samuel Hinga Norman against the Decision of Justice Bankole Thompson Denying the TRC's Request to Hold a Public Hearing with the Accused*, Case No. SCSL-2003-08-PT, (2003), [https://www.sierraleonetr.com/images/docs/hinganorman/2003-11-04\\_Hinga\\_Norman\\_Grounds\\_of\\_Appeal.pdf](https://www.sierraleonetr.com/images/docs/hinganorman/2003-11-04_Hinga_Norman_Grounds_of_Appeal.pdf).

76. *sub judice*.

77. Special Court for Sierra Leone (SCSL), *Decision on Request by the Truth and Reconciliation Commission of Sierra Leone to Conduct a Public Hearing with Samuel Hinga Norman JP*, Case No. SCSL-2003-08-PT, 1 October 2003, 1(b) <https://hrlibrary.umn.edu/instrree/SCSL/SCSL-03-08-PT-101.pdf>.

78. *Ibid*, 1(b).

79. Civil Defence Forces (CDF).

80. Special Court for Sierra Leone (SCSL), *Prosecutor v. Samuel Hinga Norman, Moinina Fofana and Allieu Kondewa*, Indictment (2005), Accessed on October 9, 2025 at: [https://www.worldcourts.com/scsl/eng/decisions/2005.10.21\\_Prosecutor\\_v\\_Norman\\_Fofana\\_Kondewa1.pdf](https://www.worldcourts.com/scsl/eng/decisions/2005.10.21_Prosecutor_v_Norman_Fofana_Kondewa1.pdf).

81. Super due process rights.

82. SCSL, *Decision on Request by the TRC to Conduct a Public Hearing with Hinga Norman*, Case No. SCSL-2003-08-PT, §15 (1 October 2003), <https://hrlibrary.umn.edu/instrree/SCSL/SCSL-03-08-PT-101.pdf>.

83. William A. Schabas, "Conjoined Twins of Transitional Justice? The Sierra Leone Truth and Reconciliation Commission and the Special Court," *Journal of International Criminal Justice* 2, no. 4 (December 2004): 1096, <https://doi.org/10.1093/jicj/2.4.1082>

84. SCSL, *Decision on Request by the TRC to Conduct a Public Hearing with Hinga Norman*, Case No. SCSL-2003-08-PT, §3.

Also 9-10.

85. *Ibid*, §2.

علی‌رغم مأموریت نافرجام کمیسیون حقیقت‌یاب سیرالئون در اخذ شهادت از متهمان و شهود، بررسی روند دادگاه ویژه سیرالئون، به‌ویژه در پرونده‌ی چارلز تیلور (رئیس‌جمهور وقت لیبریا)، ما را به برخی سرخ‌ها و دلایل اصلی این ناکامی رهنمون می‌کند. در سال ۲۰۰۱، کارزار بین‌المللی علیه چارلز تیلور، به صدور تحریم تسلیحاتی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه این کشور و در نهایت صدور کیفرخواست رسمی علیه وی انجامید. دادگاه ویژه سیرالئون در لاهه جهت رسیدگی به اتهامات وی در تاریخ ۴ ژوئن ۲۰۰۷ با قرائت بیانیه افتتاحیه دادستان آغاز شد. بر اساس کیفرخواست صادره، تیلور به ۱۱ فقره اتهام اعم از جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت متهم شده بود. در جریان رسیدگی به اتهامات چارلز تیلور، وکلای مدافع وی تلاش کردند گزارش منتشرشده از سوی «مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی»<sup>۸۶</sup> را که حاوی نقدهایی بر عملکرد کمیسیون‌های حقیقت‌یاب به خصوص «کمیسیون حقیقت‌یاب لیبریا»<sup>۸۷</sup> که نقش بسزایی در محکومیت تیلور داشت، به‌عنوان سند دفاعی به دادگاه ارائه دهند. استدلال آنان بر این قضیه استوار بود که یافته‌های کمیسیون‌های حقیقت‌یاب از پشتوانه‌ی مستند و داده‌های اثباتی کافی برخوردار نیست و در نتیجه نمی‌توان به نتایج آن‌ها به‌عنوان مبنای استناد قضایی اتکا کرد.

در مقابل، دادستان دادگاه ویژه با استناد به «ماده ۹۲ مکرر از قواعد آیین دادرسی و ادله»<sup>۸۸</sup>، با پذیرش این گزارش مخالفت کرد و اعلام داشت که گزارش مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی ماهیتی غیرحقوقی دارد و صرفاً بازتاب دیدگاه نویسندگان آن است و از این رو فاقد ارزش اثباتی است.<sup>۸۹</sup> افزون بر این، دادستان تأکید کرد که گزارش مزبور ارتباط مستقیمی با موضوع مجرمیت متهم دارد و بر همین اساس، مشمول محدودیت‌های مقرر در ماده ۹۲ مکرر می‌شود که پذیرش چنین مستنداتی را صرفاً در صورتی مجاز می‌داند که فاقد جنبه‌ی اتهامی یا تبرئه‌آمیز باشند. ماده ۹۲ مکرر از قواعد آیین دادرسی و ادله ناظر بر پذیرش اسناد یا اظهارات کتبی به‌جای شهادت حضوری است. بر اساس این ماده «پذیرش چنین اسنادی تنها در صورتی مجاز است که: (۱) به مجرمیت یا بی‌گناهی متهم ارتباط مستقیم نداشته باشند؛ (۲) منشأ مشخص و قابل تأیید داشته باشند؛ (۳) حاوی نظرات یا تحلیل‌های شخصی نباشند؛ (۴) پذیرش آن‌ها مغایر با حق دفاع یا دادرسی منصفانه نباشد؛ و (۵). صرفاً برای ارائه‌ی اطلاعات زمینه‌ای یا تاریخی مورد استفاده قرار گیرند».<sup>۹۰</sup> نکته‌ی قابل توجه آن است که دادگاه، در توجیه تصمیم خود، ضمن رد گزارش مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی، به‌طور ضمنی اعتبار و موثق بودن کمیسیون حقیقت‌یاب لیبریا را تأیید کرد، چراکه یافته‌های این کمیسیون در تعارض با هیچ یک از محدودیت‌های مندرج در ماده ۹۲ اساس‌نامه قرار نداشت. در مقابل، کمیسیون حقیقت‌یاب سیرالئون به‌دلیل آن‌که در فرایند گردآوری مستندات و اخذ شهادت‌ها از حدود مقرر در این ماده فراتر رفته بود و برخی از ضوابط شکلی و ماهوی مندرج در ماده ۹۲ را (به زعم دادگاه ویژه سیرالئون) نقض کرده بود، از سوی این دادگاه مورد استناد قرار نگرفت.

در جمع‌بندی می‌توان گفت بخشی از دلایل رد مستندات و شهادت‌های کمیسیون حقیقت‌یاب سیرالئون از سوی دادگاه ویژه را باید در ماهیت و شیوه‌ی کارکرد این نهاد جست‌وجو کرد. کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، به‌ویژه در بستر پسمانزعه‌ای، از بسیاری از سازوکارهای بنیادینی که در دادرسی‌های کیفری تضمین‌کننده‌ی دادرسی منصفانه‌اند، همچون امکان استنطاق متقابل شهود، سازوکارهای مؤثر برای ارزیابی صحت و سقم اظهارات و راستی‌آزمایی مستقل شهادت‌ها، بی‌بهره‌اند.<sup>۹۱</sup> علاوه بر این، گاه

86. International Center for Transitional Justice (ICTJ).

<sup>۸۷</sup> برای مشاهده گزارش «کمیسیون حقیقت‌یاب لیبریا» ر.ک به:

Truth and Reconciliation Commission of Liberia, *Final Report of the Truth and Reconciliation Commission of Liberia, Volume 1* (Monrovia: TRC of Liberia, 2009), <https://www.trcofliberia.org/resources/reports/final/trc-final-report-volume-1-full.pdf>.

88. Rules of Procedure and Evidence (Rule 92bis).

89. Special Court for Sierra Leone (SCSL), *Prosecutor v. Charles Ghankay Taylor, Decision on Defence Motion to Admit ICTJ Report on Liberian Truth and Reconciliation Commission Pursuant to Rule 92bis*, Case No. SCSL-03-01-T (17 September 2010), <https://www.rscls.org/Documents/Decisions/Taylor/1077/SCSL-03-01-T-1069.PDF>.

90. International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY). *Rules of Procedure and Evidence*. Rev. 50. The Hague: United Nations, 8 July 2015, Rule 92bis, p. 96. [https://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/Rules\\_procedure\\_evidence/IT032Rev50\\_en.pdf](https://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/Rules_procedure_evidence/IT032Rev50_en.pdf)

91. Lebedeva, Alexandra. "Testimony in Truth Commissions: Aporetic Critique." *De Ethica: A Journal of Philosophical, Theological and Applied Ethics*, 9, no. 1, (2024): pp. 16–17. <https://de-ethica.com/article/download/5235/4493/22891>

مأموریت کمیسیون‌ها به نحوی تفسیر می‌گردد که عملاً وارد حوزه‌ی بررسی ماهوی اتهامات می‌گردند، به‌ویژه زمانی که به اعطای عفوهای عمومی مجهز می‌شوند که کارکرد آن‌ها را به نوعی چانه‌زنی سیاسی بر سر نقض‌های حقوق بشر تبدیل کرده و استقلال و بی‌طرفی‌شان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، هرچند از حیث هدف با محاکم کیفری در پی تحقق عدالت و پاسخ‌گویی به نقض‌های فاحش حقوق بشر اشتراک دارند، اما مبنای فعالیت آن‌ها بر «حق بر حقیقت» و «رویکرد قربانی‌محور» استوار است. در این سازوکارها، کشف حقیقت نه از طریق تعیین مجرمیت، بلکه از رهگذر شنیدن روایت قربانیان و مستندسازی وقایع تاریخی دنبال می‌شود.

مطالعه تطبیقی میان کمیسیون حقیقت‌یاب و دادگاه ویژه سیرالئون نشان داد که رابطه این دو نهاد، هرچند در ظاهر مکمل است، اما در عمل با چالش‌هایی در زمینه صلاحیت، استقلال نهادی و حدود دسترسی به اطلاعات مواجه بود. از یک‌سو، به موجب ماده ۲۱ قانون اجرای موافقت‌نامه دادگاه ویژه، تمامی نهادهای داخلی مکلف به تبعیت از دستورات دادگاه شدند و از سوی دیگر، کمیسیون بر محرمانگی شهادت‌ها و استقلال خود تأکید داشت. این تعارض نهادی، نمود بارزی از دشواری تلفیق سازوکارهای کیفری و غیرکیفری در عدالت انتقالی بود.

از منظر ارزش اثباتی، بررسی رویه دادگاه ویژه نشان داد که شهادت‌ها و مستندات گردآوری‌شده توسط کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، به استناد ماده ۹۲ مکرر از قواعد آیین دادرسی و ادله دادگاه ویژه سیرالئون، تنها در صورتی قابلیت پذیرش دارند که فاقد جنبه‌ی اتهامی یا تبرئه‌آمیز باشند. از این رو، چنین داده‌هایی در عمل بیش از آنکه در مرحله رسیدگی قضایی کاربرد داشته باشند، در مرحله تحقیقات و تکمیل پرونده‌ها نقش‌آفرین هستند. در نتیجه، می‌توان گفت که تعامل میان کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و محاکم کیفری، زمانی کارآمد خواهد بود که حدود همکاری و استقلال هر یک به روشنی تعریف شود. تجربه سیرالئون نشان می‌دهد که بهره‌گیری هدفمند از ظرفیت‌های متقابل این دو نهاد، می‌تواند پیوندی میان حقیقت‌یابی غیرقضایی و پاسخ‌گویی کیفری ایجاد کرده و مسیر تحقق عدالت انتقالی را هموارتر سازد.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

#### مقالات

- دلآوری، ابوالفضل. (۱۳۸۸). «حقیقت و آشتی: نقش کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در حل منازعات سیاسی و بین‌المللی». پژوهش حقوق و سیاست، ۱۱، شماره ۲۶، ۱۵۱-۱۸۰.
- فضائی، مصطفی و حسینی، نرگس سادات. (۱۴۰۱). «دوگانگی صلح و عدالت در وضعیت‌های پس از مخاصمات داخلی». مطالعات حقوق عمومی، ۵۲، شماره ۱، ۴۶۳-۴۸۳.
- رضوی‌فرد، بهزاد. (۱۳۹۵). «کیفیات مخففه کیفر در اسناد و آراء محاکم کیفری بین‌المللی». پژوهش حقوق کیفری، ۴، شماره ۱۴، ۹-۳۴.
- مظفری‌اناری، مهدی و محمد امینی زاده. (۱۴۰۱). «مفهوم و مبانی جرم‌شناختی معامله اتهامی در نظام عدالت کیفری». پژوهش‌های حقوقی، ۲۱، شماره ۵۰، ۲۴۹-۲۷۵.
- حصارپولادی، فاطمه، مهین سبحانی و مجتبی جانی‌پور. (۱۳۹۶). «بررسی شرایط و آثار معامله اتهام در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی». آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۴، شماره ۱۴، ۹۱-۱۱۸.
- سبحانی، مهین. (۱۳۹۶). «سازوکارهای کارآمد و مشروع عدالت انتقالی». پژوهشنامه حقوق کیفری، ۸، شماره ۱، ۸۵-۱۰۹. <https://doi.org/10.22124/jol.2017.2289>
- سبحانی، مهین. (۱۳۹۵). «ارزیابی سازوکارهای سنتی اجرای عدالت در جوامع انتقالی». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۴، شماره ۱۵، ۴۳-۹. <https://doi.org/10.22054/jclr.2016.4434>

### ب) منابع انگلیسی

#### Books & Chapters

- Hayner, Priscilla B. *Unspeakable Truths: Transitional Justice and the Challenge of Truth Commissions*. 2nd ed. New York: Routledge, 2011.
- Hayner, Priscilla B. (1995). "Fifteen Truth Commissions—1974 to 1994: A Comparative Study." Chapter in Kritz, Neil J. (ed.), *Transitional Justice: How Emerging Democracies Reckon with Former Regimes*, Vol. 1. Washington, D.C.: United States Institute of Peace Press.
- Drumbl, Mark. *Atrocity, Punishment, and International Law*. New York: Cambridge University Press, 2007.
- Mobekk, Eirin. (2010). "Transitional Justice in Post-Conflict Societies – Approaches to Reconciliation." Chapter in *Peace Support Operations and Humanitarian Interventions*, ed. Federal Ministry of Defence (Austria), Working Group 12, International Society of Military Sciences. Vienna: Federal Ministry of Defence.
- Melaku, Tadesse. (2020). "The Right to Cross-Examination and Witness Protection in Ethiopia: A Comparative Study". Chapter in *Implementation of International Human Rights Commitments and the Impact on Ongoing Legal Reforms in Ethiopia*.

#### Articles

- Groome, Dermot. (2011). "The Right to Truth in the Fight against Impunity." *Berkeley Journal of International Law*, 29, no. 1, 175-199. <https://ssrn.com/abstract=1678308>
- Osiel, Mark J. (1995). "Ever Again: Legal Remembrance of Administrative Massacre." *University of Pennsylvania Law Review*, 144, 463-680. [https://scholarship.law.upenn.edu/penn\\_law\\_review/vol144/iss2/2](https://scholarship.law.upenn.edu/penn_law_review/vol144/iss2/2)
- Damaska, Mirjan R. (2008). "What Is the Point of International Criminal Justice?" *Faculty Scholarship Series*, Paper 1573. [https://www.antoniocasella.eu/restorative/Damaska\\_2008.pdf](https://www.antoniocasella.eu/restorative/Damaska_2008.pdf)
- de Vries, Barry. (2021). "The Use of Fact-Finding within the Human Rights Council: Shaping Perceptions." *Journal of Human Rights Practice*, 13, no. 3, 490. <https://doi.org/10.1093/isr/viad034>
- Combs, Nancy. (2003). "International Decisions: Prosecutor v. Plavsic." *American Journal of International Law*, 97, 931. <https://scholarship.law.wm.edu/cgi/viewcontent.cgi?referer=&httpsredir=1&article=1023&context=facpubs>
- Quinn, Joanna R., and Freeman, Mark. (2003). "Lessons Learned: Practical Lessons Gleaned from Inside the Truth Commissions of Guatemala and South Africa." *Human Rights Quarterly*, 25, no. 4, 1063-1278. <https://dx.doi.org/10.1353/hrq.2018.0046>
- Kelsall, Tim. (2005). "Truth, Lies, Ritual: Preliminary Reflections on the Truth and Reconciliation Commission in Sierra Leone." *Human Rights Quarterly*, 27, no. 2, 361-391. <https://doi.org/10.1353/hrq.2005.0020>

- Schabas, William A. (2004). “Conjoined Twins of Transitional Justice? The Sierra Leone Truth and Reconciliation Commission and the Special Court.” *Journal of International Criminal Justice*, 2, no. 4, 1082–1096. <https://doi.org/10.1093/jicj/2.4.1082>
- Lebedeva, Alexandra. (2024). “Testimony in Truth Commissions: Aporetic Critique.” *De Ethica: A Journal of Philosophical, Theological and Applied Ethics*, 9, no. 1, (2024): pp. 16–17. <https://de-ethica.com/article/download/5235/4493/22891>

#### Websites

- Africon Productions, “*The True Cause of the War That DESTROYED Sierra Leone – Sierra Leone Civil War*,” YouTube video, 17:49, posted September 1, 2025, [https://youtu.be/3iGxZ2uLi3c?si=o\\_Xu0UqjccPcjoHe](https://youtu.be/3iGxZ2uLi3c?si=o_Xu0UqjccPcjoHe)

#### Documents

- United Nations Commission on Human Rights, Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, para. 22. <https://www.un.org/unispal/document-source/sub-commission-on-prevention-of-discrimination-and-protection-of-minorities/>
- Truth and Reconciliation Commission of South Africa, *Truth and Reconciliation Commission of South Africa Report*, Vol. 1 (Cape Town: Juta, 1998), <https://www.justice.gov.za/trc/report/index.htm>
- Government of Sierra Leone and Revolutionary United front of Sierra Leone, *Lomé Peace Agreement between the Government of Sierra Leone and the Revolutionary United Front of Sierra Leone*, July 7, 1999, Lomé, Togo, [https://peaceaccords.nd.edu/wp-content/accords/The\\_Lome\\_Peace\\_Agreement-1999\\_0.pdf](https://peaceaccords.nd.edu/wp-content/accords/The_Lome_Peace_Agreement-1999_0.pdf)
- Parliament of Sierra Leone, *The Truth and Reconciliation Commission Act*, 2000 (Act No. 4 of 2000), <https://www.sierra-leone.org/Laws/2000-4.pdf>.
- UN Security Council, *Report of the Secretary-General on the establishment of a Special Court for Sierra Leone*, S/2000/915, (4 October 2000). <https://www.refworld.org/reference/countryrep/unscl/2000/en/30376>
- Human Rights Watch, *The Interrelationship between the Sierra Leone Special Court and Truth and Reconciliation Commission*, April 18, 2002, <https://www.hrw.org/node/235779/printable/print>
- Parliament of Sierra Leone, *Special Court Agreement*, 2002 (Ratification) Act, 2002, Accessed on October 6, 2025 at: <https://www.rscsl.org/Documents/SCSL-ratificationact.pdf>
- Special Court for Sierra Leone (SCSL), *Decision on Appeal by the Truth and Reconciliation Commission for Sierra Leone (“TRC”) and Chief Samuel Hinga Norman JP Against the Decision of His Lordship, Mr Justice Bankole Thompson Delivered on 30 October 2003 to Deny the TRC’s Request to Hold a Public Hearing With Chief Samuel Hinga Norman JP*, Case No. SCSL-2003–08-PT, 28 November 2003. <https://www.rscsl.org/Documents/Decisions/CDF/Appeal/122/SCSL-03-08-PT-122.pdf>
- United Nations, *Eleventh Report of the Secretary-General on the United Nations Mission in Sierra Leone*, UN Doc. S/2001/857 (2001). <https://documents.un.org/doc/undoc/gen/n01/529/63/pdf/n0152963.pdf>
- Truth and Reconciliation Commission of Sierra Leone, *Witness to Truth: Final Report*, (2004). <https://www.sierraleonetrc.org/index.php/view-the-final-report>
- The Special Court for Sierra Leone, “*Practice Direction on the Procedure Following a Request by a State, the Truth and Reconciliation Commission, or Other Legitimate Authority to Take a Statement from a Person in the Custody of the Special Court for Sierra Leone*,” (Adopted 9 September 2003, Amended 4 October 2003), [https://www.rscsl.org/Documents/PRACTICE\\_DIRECTION\\_Request\\_for\\_Statement.pdf](https://www.rscsl.org/Documents/PRACTICE_DIRECTION_Request_for_Statement.pdf)
- Truth and Reconciliation Commission for Sierra Leone (TRC), *Response by the Truth and Reconciliation Commission for Sierra Leone to the Registrar of the Special Court for Sierra Leone Regarding Chief Samuel Hinga Norman*, 9 September 2003, [https://www.sierraleonetrc.org/images/docs/hinganorman/2003-09-09\\_Response\\_to\\_Reg\\_SC\\_re\\_HN.pdf](https://www.sierraleonetrc.org/images/docs/hinganorman/2003-09-09_Response_to_Reg_SC_re_HN.pdf)
- Truth and Reconciliation Commission for Sierra Leone (TRC), *Request by the Truth and Reconciliation Commission for Sierra Leone to Hold a Public Hearing with Chief Samuel Hinga Norman JP*, Case No. SCSL-2003-08-PT (8 October 2003), <https://www.rscsl.org/Documents/Decisions/CDF/08-101/SCSL-03-08-PT-086.pdf>
- Truth and Reconciliation Commission for Sierra Leone (TRC), *Request AAB 002 (submitted on 10 October 2003) to Conduct a Public Hearing with Mr. Augustine Ato Gbao*, Case No. SCSL-2003-09-PT (10 October 2003), <https://www.rscsl.org/Documents/Decisions/RUF/09-063/SCSL-03-09-PT-049.pdf>
- The Special Court for Sierra Leone (SCSL), *Grounds of Appeal by Chief Samuel Hinga Norman against the Decision of Justice Bankole Thompson Denying the TRC’s Request to Hold a Public Hearing with the Accused*, Case No. SCSL-2003-08-PT, (2003), [https://www.sierraleonetrc.org/images/docs/hinganorman/2003-11-04\\_Hinga\\_Norman\\_Grounds\\_of\\_Appeal.pdf](https://www.sierraleonetrc.org/images/docs/hinganorman/2003-11-04_Hinga_Norman_Grounds_of_Appeal.pdf)
- SCSL, *Decision on Request by the TRC to Conduct a Public Hearing with Hinga Norman*, Case No. SCSL-2003-08-PT, §15 (1 October 2003), <https://hrlibrary.umn.edu/instruc/SCSL/SCSL-03-08-PT-101.pdf>
- Truth and Reconciliation Commission of Liberia, *Final Report of the Truth and Reconciliation Commission of Liberia*, Volume I (Monrovia: TRC of Liberia, 2009), <https://www.trcofliberia.org/resources/reports/final/trc-final-report-volume-1-full.pdf>

#### Cases

- Inter-American Court of Human Rights. *Velásquez-Rodríguez v. Honduras*. Judgment of July 29, 1988. Series No.4. San José, Costa Rica: Inter-American Court of Human Rights, 1988. [https://www.corteidh.or.cr/docs/casos/articulos/seriec\\_04\\_ing.pdf](https://www.corteidh.or.cr/docs/casos/articulos/seriec_04_ing.pdf) .
- Inter-American Court of Human Rights. *Blake v. Guatemala*. Judgment of January 24, 1998 (Merits). Series C No. 36, p. 178, at: [https://www.corteidh.or.cr/docs/casos/articulos/seriec\\_36\\_ing.pdf](https://www.corteidh.or.cr/docs/casos/articulos/seriec_36_ing.pdf).
- International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY), *Prosecutor v. Deronjić*, Case No. IT-02-61-S, Sentencing Judgment, 30 March 2004, <https://www.icty.org/en/case/deronjic>
- International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY), *Prosecutor v. Plavšić*, Case No. IT-00-39&40/1-S, Sentencing Judgment, 27 February 2003, <https://www.icty.org/x/cases/plavsic/tjug/en/>
- Special Court for Sierra Leone (SCSL), *Prosecutor v. Samuel Hinga Norman, Moinina Fofana and Allieu Kondewa*, Indictment (2005), Accessed on October 9, 2025 at: [https://www.worldcourts.com/scsl/eng/decisions/2005.10.21\\_Prosecutor\\_v\\_Norman\\_Fofana\\_Kondewa1.pdf](https://www.worldcourts.com/scsl/eng/decisions/2005.10.21_Prosecutor_v_Norman_Fofana_Kondewa1.pdf)
- Special Court for Sierra Leone (SCSL), *Prosecutor v. Charles Ghankay Taylor*, Decision on Defence Motion to Admit ICTJ Report on Liberian Truth and Reconciliation Commission Pursuant to Rule 92bis, Case No. SCSL-03-01-T (17 September 2010), <https://www.rscsl.org/Documents/Decisions/Taylor/1077/SCSL-03-01-T-1069.PDF>